

چهل ساعت با خضر

سزایی کارا کوچ

ترجمہ عطا ابراہیمی



پیشگفتار

سزایی کاراکوچ^۱ از شاعران و متفکران سیاسی برجسته در قید حیات ترکیه است. او از متفکران زبده و صاحب‌نظر در زمینه اسلام و اتحاد ممالک اسلامی است.

این متفکر موفق به دریافت جوایز معتبر ریاست جمهوری، کانون نویسندگان ترکیه و... شده است. با این حال تاکنون از پذیرفتن جوایز نقدی امتناع کرده است. در تلویزیون‌های دولتی و خصوصی ترکیه مستندهایی بسیار در باره وی ساخته شده است. البته او در هیچ تلویزیون یا صحنه‌ای حاضر نشده است.

با این همه سزایی کاراکوچ هرگز منزوی نبوده؛ ۳۳ سال انتشار مجله تولدی دوباره^۲، تأسیس دو حزب سیاسی و سال‌ها نوشتن در مجلات بخشی از فعالیت‌های اوست.

همچنین حدود شصت اثر مکتوب در زمینه داستان، شعر و اندیشه تألیف و ترجمه کرده است. آثار وی مورد توجه مجامع دانشگاهی و نسل جوان بوده و تاکنون پانزده کتاب در نقد و بررسی آن نوشته شده است.

1. Sezai Karakoç

2. Dirilis

این شاعر بزرگ تقریباً بر تمام شاعران دهه شصت میلادی تا امروز تأثیر گذاشته است. بسیاری از نویسندگان و شاعران او را از بهترین مفسرهای اسلامی می‌دانند که توانسته با لطافت ادبی به خوبی قرآن و اسلام را تفسیر کند.

چهل ساعت با خضر از مهم‌ترین کتاب‌های او و برگرفته از داستان خضر در قرآن است. شاعر در این کتاب تلاش می‌کند خواننده را با تاریخ انسانیت آشنا کند. پیش‌تر شعرها از زبان حضرت خضر است. او همواره دوست و یاور ضعیفان و دشمن ظالمان است. در کنار حق جا دارد و با حق‌کشی و ظلم سر ستیز دارد. از طرفی مخالف بی‌خدایی و کفر و از طرفی دیگر به دنبال بیدار کردن مسلمانان جهان است. همچنین این کتاب به زبان عربی در مصر چاپ شده است.

وقتی شنیدم آقای عطا ابراهیمی‌راد، دوست قدیمی و فاضلم، این کتاب را به فارسی ترجمه کرده است در پوست خود نمی‌گنجیدم. او را با نوشته‌هایش در روزنامه‌ها و مجله‌های ترکیه و کتاب‌هایی که به ترکی ترجمه کرده بود مرتب تعقیب کرده‌ام. جسارت و افتخار ترجمه این کتاب را به ایشان تبریک می‌گویم. ۲۳ سال است دائماً با استاد سزایی ملاقات و گفتگو می‌کنم. او همواره از عطار، حافظ شیرازی، سعدی و خیام صحبت می‌کند و از این متفکران و شاعران بیت‌هایی به فارسی می‌خواند؛ این نشان می‌دهد او به زبان فارسی و اهمیتش در جامعه اسلامی واقف است. مطمئناً ایشان از ترجمه کتابشان به فارسی خوشحال و بختیار خواهند شد، من نیز از این بابت خوشبختم.

سال ۲۰۱۲ میلادی به دعوت انجمن یونس امره^۱ به تهران آمدم و در جمع استادان و ادیبان در باره آقای سزایی کاراکوچ سخنرانی کردم، این فرصتی بود تا با دوست قدیمی‌ام آقای ابراهیمی‌راد ملاقات کنم که در حال اتمام ترجمه این کتاب بود. او همواره از اشتیاقی که سزایی کاراکوچ در او ایجاد کرده بود برایم

1. Yunus Emre

تعریف می‌کرد. خلاصه این‌که اقامت هم‌روزه‌ام در تهران پیرامون سزایی کاراکوچ گذشت.

در پایان امیدوارم این ترجمه آغازی برای ترجمه دیگر آثار این متفکر و شاعر ترک باشد.

شعبان آباک^۱

Saban Abak

۱. Saban Abak؛ عضو هیئت مدیره کانون نویسندگان ترکیه و از ادامه‌دهندگان خط فکری

سزایی کاراکوچ - ۴۰

